

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

احمد پوری
۰۶ اکتوبر ۲۰۱۸

بارک اوباما برای یک ساعت سخنرانی در هالند ۴۰۰۰۰۰ یورو دریافت کرد!



اوباما خیلی «متمدن تر و عادلتر» از رقیبش دونالد ترامپ است. او برای کسب درآمد بیشتر، با تلاش فوق العاده، در یک روز در دو کشور سخنرانی می کند و برای هر ساعت سخنرانی ۴۰۰.۰۰۰ یورو دریافت می کند. درحالی که ترامپ با توسل به روش های لمپنی و باجگیری به شیوه گنده لاتها برای هر سخنرانی ۱.۵۰۰.۰۰۰ تقاضا و دریافت می کند!... بعد از این که هر دو، با عرق جبین این دستمزدهای ناقابل را دریافت کردند در باره بهتر کردن جهان و از بین بردن شکاف فقیر و غنی باهم رقابت می کنند و به بشریت وعده های زیبا در سرابی نچندان دور می دهند!... اوباما خلاف ترامپ با روشهای «متمدنانه» به کسب درآمد میلیونی مشغول است مثلاً سال گذشته با انتشارات پنگوئن برای نوشتن کتاب خاطرات خودش و خانمش ۶۹ میلیون دالر قرارداد بسته است! با نت فلیکس هم قراردادهایی بسته است که فعلاً در باره میزان دستمزدش خبری منتشر نشده است!...

در نتیجه حاکمیت ایدئولوژی نئولیبرالی، در عرصه داخلی و جهانی به طور دائم تنها حق انتخابی که ما داریم، انتخاب بین انواع رنگارنگ بد و بدترهاست! بشریت در ایده آلترین حالت حق انتخابش بین ترمپ و اوباما است! ... هر دو مزد بگیران دولت در سایه و غارتگران جهان هستند!

هرچند که در زمان اوباما بنا به گزارش سازمانهای عفو بین الملل و نگهبان حقوق بشر، بیشتر از زمان جرج بوش منفور و لومپن قوانین بین المللی و حقوق بشر نقض شده و جنگهای بیشتری راه انداخته شد ولی چون به شیوه «متمدنانه» بود هنوز هم بادیدن دونالد ترمپ همه در حسرت باز گشت مسیحا وار اوباما ثانیه شماری می کنند!

صدها میلیون انسان در جهان امروز، روزی کمتر از یک دالر درآمد دارند! بارک اوباما عصر جمعه گذشته با شرکت در کنگره مدیریت آمستردام و یک ساعت صحبت برای حضار در باره تجربه مدیریت و خاطرات خود، بیش از ۴۰۰.۰۰۰ اورو در آمد داشت! ارزانترین بلیط ورودی ۱۰۰۰ اورو بود!

اینگونه است که بعضی ها، هم در مواقع بحران اقتصادی و هم در رونق اقتصادی و هم در حالت جنگ و هم در دوران صلح همواره پول پارو می کنند! نه دست نامرئی خدا در کار است و نه دست نامرئی و عادلانه بازار آزاد مقدس! ... فقط دست نامرئی برنامه ریزان و نخبگان غارتگر حاکم بر جهان در کار است!

رؤسای جمهور امریکا و تقاضای پول برای سخنرانی

اولین رئیس جمهور امریکا که برای سخنرانی هایش تقاضای پول کرد، جیرالد فورد بود که ۴۰.۰۰۰ دالر برای هر جلسه سخنرانی هایش درخواست کرد. این «دستمزد» در زمان بیل کلینتن به بالاترین رقم رسید. چهار سال پیش برای شرکت در یک جلسه در هالند ۶۰۰.۰۰۰ دالر دریافت کرد! برای یک سخنرانی دیگر ۷۵۰.۰۰۰ دالر دریافت کرده بود! ... پرواضح است که روش اوباما در مقایسه با روش آلکاپن حاکم بر کاخ سفید یعنی دونالد ترمپ با شکسته نفسی و برخورد عادلانه برای هر ساعت تقاضای ۴۰۰.۰۰۰ اورو می کند! ... در حالی که ترمپ خودشیفته حتی قبل از این که به کاخ سفید راه پیدا کند برای افتتاح هر کنفرانس یا سخنرانی در هر تجمعی تقاضای ۱.۵۰۰.۰۰۰ دالر کرده بود! تقریباً چهار برابر بیشتر از اوباما! پرواضح است که بعد از پایان دوره ریاست جمهوری خیلی بیشتر از این رقم درخواست خواهد کرد! ...

نخست وزیر سابق هالند یان پیتر بالکننده برای هر سخنرانی ۸.۵۰۰ اورو دریافت می کند! ...

تونی بلر نخست وزیر سابق انگلیس برای یک ساعت سخنرانی در فلیپین ۲۰۰.۰۰۰ پوند معادل ۲۵۹.۶۵۹ دالر دریافت کرد! تونی بلر در چند سال گذشته از طریق اینگونه سخنرانی ها بیش از ۵۰ میلیون پوند درآمد داشته است! ... اوباما قبل از این که به هالند بیاید برای برخی از سخنرانی هایش در دیگر کشورهای اروپائی نیز مبلغ ۴۰۰.۰۰۰ اورو دریافت کرده است! این رقم معادل ۴۶۲.۰۱۹ دالر امریکائی است!

آیا این امری طبیعی است که یک نفر برای یک ساعت سخنرانی و جوک گفتن در باره ترمپ و خاطره گوئی از این که در کاخ سفید با مادرزنش چگونه زندگی کرده و با زن و کودکانش شام را دسته جمعی می خوردند، برای هر دقیقه بیش از ۷.۷۰۰ اورو دریافت کند؟

مهمترین نکات مطرح شده توسط اوباما را که در رسانه های هالند منتشر شده مرور می کنیم. به سخنان و رهنمودهای گهرباری که ارزش ۴۰۰.۰۰۰ اوروئی داشت!

«اوباما در باره سه درس مهم مدیریت صحبت می کند:

یک: به هدف فکرکن که چه کاری می خواهی انجام دهی، نه به این که چه کسی می خواهی باشی... بیل گیتس می خواست نرم افزارهای بهتر درست کند هدفش میلیاردی شدن نبود...

دو: برای این که مردم را همفکر و همراه خود کنی، ابتداء مسأله را مطرح کنی. هرگز بلافاصله به مردم نگوئید که اگر آنها تغییر کنند، چقدر عالی خواهد شد! ابتداء اشتباهات و مشکلات را مشخص کنی. به یاد داشته باشید که مردم تغییر را دوست ندارند، بنابراین هرگز نگوئید که همه چیز باید تغییر کند! پیام خود را به مثابه پیامد منطقی اوضاع و به عنوان یک تغییر کوچک ارائه کنید. فروتن باشید و بدانید که به تنهایی نمی توانید این کار را انجام دهید یا به اهداف خود برسید.

سه: از طنز استفاده کنید. در شرایط استرس زا که محبور به اتخاذ تصمیمات بزرگ هستید، بسیار مفید خواهد شد اگر خودتان را بیش از حد جدی نگیرید. طنز همه چیز را در منظر و جایگاه درست قرار می دهد. البته شما کار خود را می کنید، اما اگر خودتان را بسیار جدی بگیرید، خود را خیلی مهم می پندارید.

سؤال گرداننده جلسه: چه چیزی انسانها را تحت تأثیر قرار می دهد؟

اوباما: آنها از طریق داده ها و حقایق تحت تأثیر قرار نمی گیرند، به خصوص در حال حاضر مطمئناً چنین نیست!... علی رغم این حرفها او به آینده امیدوار است و می گوید از هر جوانی که پرسیده ام در کدام دوره ای از تاریخ آرزو داشتی زندگی کنی؟ گفته اند در زمان حال! این بهترین دورانی است که تا کنون وجود داشته!... در باره بهداشت محیط و گرم شدن کره زمین می گوید اگر ما زیاد صبر کنیم در آنصورت آینده را برای فرزندان خود به طرز غیرقابل جبران خراب خواهیم کرد... همینطور است در باره دموکراسی...

سخنرانی اوباما تنها برای رهبران نیست. او می گوید اگر هر فردی مسؤلیت خود را بپذیرد و چیزهای کوچکی را در جامعه یا سازمان، در جهت مثبت اصلاح کند یا تغییر دهد، خیلی چیزها راحت تر و بهتر می شود... سازمانده این جلسه می گوید در باره ارزش اوباما در اروپا نمی توان به دقت مبلغی را معین کرد حتی برای بیل کلینتن که ۱۷ سال قبل رئیس جمهور بود برای هر سخنرانی دریافت مبلغی که پنج صفر دارد چیز طبیعی است! «

من همواره در تمام دوران تحصیل ریاضی و کامپیوتر خوانده ام. زمانی که در دانشگاه لیدن هوش مصنوعی می خواندم، بیش از درس های خودم در کلاس های واحدهای آزاد در باره ایران شناسی و اسلام شناسی و مدیریت و سازماندهی و نظریه سیستم ها و ... شرکت می کردم. خیلی از واحدهای مدیریت اطلاعات و سیستم ها را از دانشکده مدیریت با بالاترین نمره گذرانده ام و تیم ما در بین تمامی دانشجویان مدیریت هالند اول شد... باور کنید بدون کوچکترین آمادگی خیلی بهتر از مطالب فوق می توانم مسائل بهتر و مهمتری را بیان کنم ولی سؤال اینجاست که برای امثال من چه کسی در هر دقیقه که سهل است در هر ماه ۷.۷۰۰ دلار می پردازد؟

راستی این چه حکمتی است که به خیلی از جنایتکارترین و بدنام ترین رهبران سیاسی جهان بعد از پایان دوره ریاست جمهوری یا نخست وزیری حقوق های نجومی می دهند؟...

یکی از دلایلی این است که رهبران سیاسی تازمانی که در مسند قدرت هستند به گونه قانونی امکان دزدی شرکتهای چندملیتی و بانکها را از مالیات مردم فراهم می کنند. مثلاً دولت هالند بدون هیچ گونه توضیح و منطق قابل قبول علی رغم اعتراض بیش از ۸۰٪ مردم به چهار شرکت چند ملیتی هالندی ۵.۶ میلیارد اورو بخشش مالیاتی داد!...

به محض این که این گونه سیاستمداران از نخست وزیری و ریاست جمهوری برکنار شدند می روند پیش اربابان واقعی خود در شرکتهای چند ملیتی استخدام می شوند و به کمک آنها به دستمزدهای نجومی دسترسی پیدا می کنند! بدین طریق این بار اربابانشان از جیب مردم به آنها کادو می دهند!...

رهبان حزب «دنک» در هالند می گوید او با یک جنایتکار جنگی است. در زمان حکومت او مثلاً در پاکستان هزاران نفر توسط هواپیماهای بدون سرنشین بمباران شدند...

میشل فوس حقوقدان و خبرنگار هالندی در آمریکا با آلکساندرا پلوسی خبرنگار، نویسنده و فیلم مستند ساز، دختر نانی پلوسی سخنگوی سابق مجلس نمایندگان ایالات متحده ازدواج کرده در جلسه بارک اوما در هالند شرکت داشت... خلاصه گزارش او از این جلسه و مسائل مهم آمریکا چنین است:

بارک اوباما می گفت: « رهبران کسانی هستند که توانایی داستان گفتن دارند... چگونه می توانی با دیگران ارتباط برقرار کنی؟ جواب: باید نشان دهی که به آنچه می گوئی خودت باور داری... اعتبار همه چیز است!... اوباما دیروز در اسلو و هلستینکی سخنرانی داشت... امروز در هالند، فردا در کشورهای دیگر اسکانديناوی... او لازم نیست که در عمق مسائل برود، به طرز حیرت انگیزی خونسرد و آرام داستان تجربه زندگی خود را از کاخ سفید می گوید و براحتی آب خوردن درآمدهای باور نکردنی کسب می کند! زمانی که در کاخ سفید رئیس جمهور بود سالانه حداکثر ۴۰۰.۰۰۰ دالر درآمد داشت ولی اکنون در یک ساعت دستمزدش برابر با یک سال کار به عنوان رئیس جمهور آمریکا در کاخ سفید است! علاوه بر این دستمزد هزینه های مسافرت و هتل و همه از طرف سازماندهندگان کنفرانس ها و سخنرانی ها پرداخت می شود!... مردم آمریکا در مقایسه با دونالد ترمپ شدیداً دلشان به بارک اوباما تنگ می شود... مردم و جامعه آمریکا بشدت به دو بخش تقسیم شده است.

انتقاد از خود اوباما

او در آخرین لحظات یعنی فاصله زمانی دو ماهی که دونالد ترمپ به ریاست جمهوری انتخاب شده بود ولی هنوز به کاخ سفید راه نیافته بود به یکی از همکارانش گفته بود: «شاید ما در پیش بردن ارزشهای لیبرالی مان خیلی سریع به پیش رفتیم! به همین دلیل بخشی از جامعه و توده های به حاشیه رانده شده به سوی ترمپ رفت! (یعنی زیادی چپ روی کرده بود به همین دلیل راستها سرکار آمدند!... با این توضیح کاربرد مفهوم چپ و راست را از زبان رهبران سیاسی آمریکا بهتر می فهمید!..) اوباما گفت: من سیستمی را به ارث گذاشتم که در کالیفرنیا و نیورک در استانهای ساحلی ثروت جمع شد و رهبران و مدیران بشدت ثروتمند می شدند در حالی که در بقیه جاها مردم از رفاه لازم برخوردار نشدند به همین دلیل تعدادی احساس کردند که به حاشیه رانده شده اند و به ترمپ روی آوردند و باید صادقانه بگویم که من این وضعیت را به موقع درک نکردم و ندیدم! ما زیادی چپ روی کردیم! حالا در وضعیتی گرفتار شدیم که جنگ اقوام و ملیتها شروع شده و همه با واژه هائی مانند «ما» و «آنها» که ضد هم هستند صحبت می کنند. در جامعه امروز آمریکا همه چیز پولاریزه و قطبی شده است از سیاست گرفته تا دادگستری و ...

خشم بیکران تلنبار شده

آلکساندرا پلوسی زن من، وقتی که فهمید من به برنامه تلویزیونی تو دعوت شده ام گفت: به پاو بگو که من هرگز در آمریکا اینقدر خشم تلنبار شده ندیده بودم. خشم در باره همه چیز، در باره وزیر دادگستری، نمایندگان انتصابی، در باره همه چیز حتی خشم در باره خود اوباما... در امریکای امروز در باره همه چیز جنگ تا عمیق ترین نقطه در جریان است. جنگ قبایل یا قبیله گرایی (ترایالیسم) واژه ای که این روزها بشدت از آن استفاده می شود. شاید کمی اغراق آمیز به نظر برسد که اعتراف کنیم در امریکای امروز نوعی جنگ داخلی در جریان است! به نظر من اعتراف به واقعیت فوق زیاد هم اغراق آمیز نیست! از نظر سیاسی آنقدر تضادهای تلنبار شده هست که در انتخابات کنگره در ششم نومبر

خود را نشان خواهد داد... به همین دلیل است که اوباما هم در اینگونه مسائل دخالت کرده و سخنرانی می کند. « شما لازم نیست که دمکرات یا جمهوری خواه باشید تا بگوئید که درست نیست که دادستان کل اف بی آی اینقدر زیر فشار قرار بگیرد. و دولت سیستم قضائی جنائی را به عنوان ابزاری برای مجازات مخالفان سیاسی خود به کار برد! آنچه آنها انجام می دهند در نظام های دیکتاتوری مرسوم است ولی اکنون ما هم در ایالات متحده آمریکا همان کارها را انجام می دهیم!... پاو خبرنگار هالندی از میشل فوس می پرسد: اوبامای جدید و امروز آمریکا کجاست?... میشل فوس: در نهایت تأسف امروز دیگر اوبانی موجود نیست، جوانی که بتواند با انرژی سخنرانی کند و آمریکا را دوباره امیدوار و متحد کند موجود نیست!...

عکس ترمپ روی دستمال کاغذی توالت

شاید مثال زیر از رفتار امریکائی ها بیانگر سمبلی از تضاد و شکاف موجود در جامعه آمریکا باشد. تمامی دوستانی که من در نیویورک به خانه شان می روم در دستمال کاغذی توالت شان عکس دونالد ترمپ هست و با آن خودشان را در توالت تمیز می کنند!... اکنون کسی مانند اوباما نیست و جایش در رقابتهای سیاسی بشدت خالی است... پاو خبرنگار هالندی: آیا وضعیت امروز به نوعی میراث اوباما نیست؟ چرا او نتوانسته است حداقل یک جانشین خوب در دوران هشت ساله ریاست جمهوری برای خودش تربیت کند و به ارث بگذارد؟ میشل فوس: متأسفانه چنین جانشینی نیست و او خیلی دیر فهمید که در رابطه با هیلاری کلینتن هم همه چیز در جهت اشتباه به پیش می رفت... او خیلی ساده و راحت به دستاوردهایش در هشت سال گذشته تکیه کرد و مقاومت و خشم پنهان و حالت جنون آمیز و شیدائی زیر زمینی مردم و نیروهای راست افراطی را ندید که امروز از همه جا فواره می زند... این نمونها را در سخنرانی های دونالد ترمپ و برخورد با مخالفانش می توان مشاهده کرد، حتی رسانه هائی مانند سی ان ان و ای بی سی با دریائی از خشم به همدیگر برخورد می کنند... ترمپ در آمریکا و کاخ سفید چیزی از میراث اوباما باقی نگذاشته است، همه را جارو و محو کرده است! علاوه بر آن اکنون با تجربه تر عمل می کند و دیگر از آن ترمپی که فریاد می زد و تف می کرد خبری نیست. خونسردتر و با اعتمادتر در مجامع عمومی و بین المللی ظاهر می شود!... گذار از اوباما به دونالد ترمپ با سرعتی غیرقابل تصور و غیرقابل درک انجام شد! تو حق داری اوباما نتوانست این روزه ها را بدرستی پیش بینی کند...»

نقد مطالب فوق مثنوی هفتاد من کاغذ می خواهد... مهمترین مسأله برای ما این است که به اعتراف چنین افرادی که در رأس نظام هستند، شکاف طبقاتی و مبارزه پنهان و به نوعی جنگ داخلی در تمام ابعاد در جامعه آمریکا جاریست!... به میمنت حاکمیت نظام جنایتکار سرمایه داری در جهان همه جا بشریت با این سؤال روزا لوکز امبورگ روبه رو می شود! سوسیالیسم یا بربریت؟ طبیعی است که غارتگران جهان به کمک مغزشوئی از انسانهای نا آگاه بربریت را انتخاب خواهند کرد!...

شکاف طبقاتی رشد یابنده بین ثروتمندان و فقراء

اگر دستمزد رهبران سیاسی جهان را به هر روز که سهل است به هر دقیقه تبدیل کنیم با چنین ارقام حیرت آوری روبه رو می شویم! ارقامی که زبان از توضیح ابعاد بی عدالتی آن عاجز می شود!...

تونی بلر برای هر دقیقه سخنرانی خود ۴.۳۲۷ دالر دریافت می کند!

بارک اوباما برای هر دقیقه سخنرانی خود ۷.۷۰۰ دالر دریافت می کند!

بیل کلینتن برای هر دقیقه سخنرانی خود ۱۲.۵۰۰ دلار دریافت می کند!

دونالد ترمپ برای هر دقیقه سخنرانی خود ۲۵.۰۰۰ دلار دریافت می کند!

آیا چنین کسانی می توانند مدافع عدالت و یار و یاور تهیدستان و زحمتکشان ایران باشند؟ دزدها و جنایتکاران بی رحمی که برای هر دقیقه از ۴.۳۲۷ تا ۲۵.۰۰۰ دلار دریافت می کنند می توانند درد مردم ستمدیده ایران را بفهمند؟ ... مزدوران امریکا به مردم ایران مژده می دهند که اگر او با ما با شما نبود، نگران نباشید دزد غارتگر بزرگتر و باجگیر و گنده لات جهان یعنی دونالد ترمپ تا آخر با شما خواهد ماند تا به آرزوهایتان برسید! ...

ژان زیگلر در کتاب حاکمان تازه جهان در سال ۲۰۰۴ می نویسد: «رئیس يك شرکت تولید لباس و پیژاما برای کودکان به نام «میشال آیزنز» که در «هائیتی» مشغول به کار است، حقوقی معادل ده هزار برابر کارگر بومی این شرکت دریافت می دارد! ...»

رئیس شرکت هواپیمایی کشور سوئد، در ضمن قرارداد خود در شرکت شروپی را می گذارد که اگر مؤسسه به علت سوء مدیریت دچار ورشکستگی شد، مدیر و اطرافیان وی نباید زیان ببینند. آقای «ماریو کورتی» رئیس شرکت هواپیمایی سوئد پس از ورشکستگی این شرکت مبلغ دوازده و نیم میلیون دلار برای خدمات پنج سال آخر خود مزایا دریافت داشت...»

همانطوری که ملاحظه می فرمائید رهبران جهان از بحران اقتصادی هیچ درسی یاد نگرفته اند. حتی زمانی که موجب ورشکستگی شرکتی می شوند به جای این که جریمه و مجازات شوند، جایزه دوازده و نیم میلیون دلاری دریافت می کنند! آنها دیگر نگران قیام مردم نیستند و دوباره به شیوه مألوف به استثمار و غارت بی رحمانه زحمتکشان می پردازند!

کسانی که بدرستی از دست جنایتکاران حاکم بر ایران به جان آمده اند و علیه آنها مبارزه می کنند باید بدانند، تمامی مزدورانی که راه نجات ایرانیان را در توسل به امامزاده هائی مانند دونالد ترمپ و جان بولتن نشان می دهند دوستان مردم ستمدیده ایران نیستند. گرگهائی در لباس میش هستند! ...

شهروندان ستمدیده ایران به حق علیه نظام سرمایه داری تحت حکومت ملاءهای جنایتکار به پا خاسته اند ولی باید بدانند که ریشه تمامی انواع جنایتکاران در لباس مذهبی یا فاشیستی از نظام سرمایه داری در کشورهای امپریالیستی به ویژه از امریکا آبیاری می شود! ... هر جنایتکاری که بگوید خامنه ای جنایتکار است تطهیر نشده و به دوستان مردم تبدیل نمی شود! ...

بهتر است در این زمینه به یادداشت قبلی من مراجعه بفرمائید:

یکی از مهمترین خطر هائی که انقلاب ایران را تهدید می کند کدام است؟

مبارزه ای که ریشه در تنفر کور و احساساتی دارد نه در آگاهی و هوشیاری انقلابی!

پرواضح است که جمهوری اسلامی یکی از جنایتکارترین دولتهای تاریخ ایران است. تنفر از هیچ دشمنی نباید آنقدر اغراق آمیز باشد که هوشیاری انقلابی ما را نابود کند و ما را به مرده باد و زنده باد گوی مبتذل و بی مغز تبدیل کند و از کشف ریشه بدبختی ها و مهمتر از آن امکان یافتن درمان آنها عاجز کند! تنفر و خشمی که ریشه در انگل وارگی سیاسی و اجتماعی دارد، سرانجام تبدیل به کودی برای رویش بندگی و نابودی جوانه های امید و زندگی می شود!

ادامه مطلب ...

بنیاد نظام سرمایه داری بر ایدئولوژی جنگ همه با همه و داروینسم اجتماعی استوار است نه بر محور انسانگرایی و عدالت اقتصادی و اجتماعی! ...

به همان شدتی که علیه جنایتکاران حاکم بر ایران مبارزه می شود، باید علیه هرگونه مزدوری به کشورهای بیگانه نیز مبارزه شود!

مزدوری و رهایی قابل جمع نیستند!

آزادی و رهایی قبل از هر چیز به آگاهی، عدالت، خودسازماندهی، هدفمندی، هوشمندی، خلاقیت و وفاداری به علم و حقیقت بستگی دارد.

نه دروغهای مصلحت آمیزی و پوپولیسم و پیروی گله وار از رهبر و ...!

روی فاکتور هوشمندی و خلاقیت آگاهانه تأکید می کنم برای این که مزدوران رنگانگ بیگانگان و جنایتکاران حاکم بر ایران بازار شایعات و دروغ را برای گل آلود کردن فضای سیاسی ایران حاکم کرده اند تا ماهی های خودشان را بگیرند! ...

ما بدون هوشیاری و خلاقیت نمی توانیم بر کسانی پیروز شویم که از نظر مالی و امکانات نظامی هزاران بار از ما قویترند! آنان کاخ استبدادشان را بر دزدی و دروغ و تزور بنا کرده اند! وفاداری به حقیقت و هوشمندی و خلاقیت مهمترین سلاح سرکوب شدگان است! آینده با ماست ...

حاکمیت گفتمان نئولیبرالی و نئوفاشیستی در ایران بیداد می کند. بخش قابل توجهی از قربانیان نظام حاکم می گویند: پول و قدرت حقیقت را تفسیر و تعیین می کند! پرستش پول و ثروتمندان و تبعیض علیه فقراء به فرهنگ عمومی بخش مهمی از جامعه تبدیل شده است! حتی جامعه شناسان و محققان اجتماعی دولتی معترفند که در مقابل سؤال علم بهتر است یا ثروت؟ همه بدون تأمل ثروت را انتخاب می کنند! ... خوشبختانه در جنبش های اخیر کم کم صدای قربانیانی که مخالف طبقه حاکم و فرهنگ و سیاستهای طبقه حاکم هستند، به گوش می رسد... ولی هنوز به صدای غالب تبدیل نشده است و این خطر هست که نگذارند به صدای غالب تبدیل شود...

تا زمانی که گفتمان عدالت محور و سوسیالیستی در ایران حاکم نشده، ملت ایران فقط به تعویض دیکتاتورها نایل شده و هرگز روی آزادی و رهایی را نخواهند دید! ...

امیدوارم هموطنان ارجمند ما که مشکل کمبود آگاهی داشتند با توجه به اسناد فوق بدانند که دخیل بستن به کعبه های معجزه گر امریکا بسیار احمقانه تر از دخیل بستن به چاهای جمکران و امامزاده هاست! ...
با احترام،

احمد پوری (هالند) ۰۲ - ۱۰ - ۲۰۱۸